

# توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال هجدهم  
شماره ۲۱۱ مهر ماه ۱۳۹۶ اکتبر ۲۰۱۷

## جنگ گاز بر سر تسلط بر تامین انرژی در اروپا

برای فهم پاره‌ای نزاع‌های امپریالیست‌ها در اروپا که دامنه آن تا خلیج فارس کشیده شده و پای ایران، قطر و عربستان سعودی را به میان می‌آورد، باید به مسئله لوله انتقال گاز به اروپا و تامین انرژی این کشورها اشاره نمود. در غیر این صورت به علت عدم فهم منافع گوناگون امپریالیستی فهم درگیری‌های سیاسی مشکل می‌گردد.

اروپا تلاش داشت تا با سیاست دخالت در امور شرق و توسعه مرزهای شرقی خویش کشور اوکراین را ببلعد و این امر خطر روشنی برای روسیه و نقض تعهداتی بود که اروپا نسبت به روسیه در زمان فروپاشی شوروی ابراز داشته بود. دخالت آمریکا و آلمان در اوکراین و روی کار آوردن نازی‌ها در این کشور در اثر مقاومت مردم اوکراین و حمایت روسها از آنها به نحوی پیش رفت که آمریکا ابتکار عمل را به دست گرفت و آلمان را به صورت چرخ پنجم در آورد که دیگر قادر نیست وضعیت را به صورت سابق در آورد. این تفوق آمریکا در اوکراین درعین اینکه تشدید سیاست تهدید و ادامه عملیات نظامی است، جلوی ورود گاز روسیه را از طریق لوله انتقال گاز به اروپا می‌گیرد. بستن شیرهای گاز در اوکراین، دامن زدن به اختلافات مجارستان، لهستان با آلمان و اروپا راه‌های احتمالی عبور گاز روسیه به اروپا را از طریق سایر کشورها به‌ویژه لهستان ضد روسیه بسته است. ساختن لوله انتقال گاز از طریق دریای شرق و رساندن گاز به آلمان از طریق دور زدن کشورهای اروپای شرقی، نه تنها اروپا و در درجه نخست آلمان را از زیر فشار امپریالیسم آمریکا و متحدانش ... ادامه در صفحه ۳

به‌مناسبت صدمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

## نفی دیکتاتوری پرولتاریا، دشمنی با انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر است

بورژوازی از دیکتاتوری پرولتاریا واهمه دارد، زیرا می‌داند که اعمال دیکتاتوری پرولتاریا تحت رهبری حزب پرولتری امکان رشد و تجدید قوا را از وی سلب کرده و به سلطه بورژوازی خاتمه می‌دهد. به همین جهت بورژوازی در مبارزه ایندولوژیک خویش بر ضد پرولتاریا و حزب وی همیشه به تحریف مضمون دیکتاتوری پرولتاریا دست می‌زند و متاسفانه با نفوذ نیروها و افکار طبقات خرده بورژوازی در صفوف طبقه کارگر جای پای تبلیغات مسموم خویش را در میان کمونیست‌ها گشوده است. در میان جریان‌های مدعی اعتقاد به کمونیسم در میان ایرانیان، شما با کمتر جریانی روبرو هستید که به دیکتاتوری پرولتاریا اعتقاد داشته، آنرا تبلیغ نموده و یا اساسا مضمون آنرا فهمیده باشد. مدعیان اعتقاد به "کمونیسم مارکسی" تمام اطلاعات خویش در مورد دیکتاتوری پرولتاریا را از نشریات ضد کمونیستی که نویسندگان "عالیقدر" ضد کمونیست نگاشته‌اند، رونویسی کرده‌اند. این است و هم پرمدعائی روشنفکران را تسکین می‌دهد. فرار خرده بورژوازمابانه آنها از دیکتاتوری پرولتاریا و آویزان شدن به "شوراها" و یا "کمون" گواه این واقعیت است. آنها ادعاها هم در فهم آسانتر با شعبده‌بازی، مفهوم دیکتاتوری و مفهوم دموکراسی را چون دو مفهوم مجرد در مقابل هم قرار می‌دهند و به اصل ماتریالیسم دیالکتیک خیانت می‌ورزند. لنین در مورد این گونه افراد می‌گفت: "از نقطه نظر عوامانه و بورژوازمابانه، مفهوم دیکتاتوری و مفهوم دموکراسی یک دیگر را نفی می‌کنند. بورژوا که معنای تئوری مبارزه طبقات را نمی‌فهمد و در صحنه سیاست همیشه ناظر زد و خوردهای کوچک دستجات و فرقه‌های مختلف بورژوازی بوده است- دیکتاتوری را به معنای الغاء کلیه آزادی‌ها و تضمینات دموکراسی، به معنای انواع خودسری‌ها و سوء استفاده از قدرت به نفع شخص دیکتاتور تعبیر می‌نماید." (دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک چهارجلدی به فارسی جلد اول قسمت دوم صفحه ۱۶۱).

مبارزه طبقاتی و اعمال قهر انقلابی از جانب طبقه‌ایکه در انقلاب شرکت کرده و قصد دارد قدرت سیاسی را تصاحب کند امری بدیهی است. دیکتاتوری به مفهوم اعلام قهر و سرکوب است و در انقلاب اجتماعی و تلاش برای کسب قدرت سیاسی به صورت اعمال زور یک طبقه برای درهم شکستن مقاومت طبقه دیگر به کار می‌رود و در تمام طول تاریخ چنین بوده است. قهر، مامای جامعه نوین از بطن جامعه کهن است. این اعمال قهر طبقاتی را به خودسری و اراده فردی و اعمال نفوذ و سوء استفاده از قدرت شخص نسبت دادن، ناشی از نادانی نیست، ناشی از کینه طبقاتی است، تا زمانیکه تنها به صورت ایده باقی می‌ماند، نیاز به سرکوب ایندولوژیک دارد.

دیکتاتوری پرولتاریا اعمال قهر پرولتری اکثریت جامعه بر ضد اقلیتی است که تا کنون بر مسند قدرت بوده و از خودسری، سوء استفاده شخصی با اراده و خودکامگی فردی و یا طبقاتی بر ضد اکثریت محرومان جامعه استفاده می‌کرده است. دیکتاتوری پرولتاریا می‌خواهد به این بی‌عدالتی بی‌پایان، پایان دهد و آنهم نه در کلام، بلکه در عمل و در اقتصاد و در پایه مادی زندگی عمومی مردم.

دیکتاتوری پرولتاریا، دیکتاتوری اقلیت نیست به همین جهت نیز نماد دموکراسی است. اساسا هیچ طبقه‌ای نمی‌تواند به صورت اقلیت در دوران کم و بیش طولانی در حکومت باقی بماند. هر حکومتی باید برای بقاء خود و حفظ سلطه خویش سعی کند، متحدان خویش را بیابد و آنها را با شیوه‌های گوناگون و از جمله مزایای مادی به خود ملحق نماید و به این وسیله بقاء خویش را تثبیت کند و یا اینکه قهر عریان و بی‌پروا را موقتا به خدمت بگیرد. این نتیجه را طبقات حاکمه در ممالک امپریالیستی با غارت ممالک تحت سلطه و پرتاب قطعه‌ای از غنایم غارتگرانه خویش به سفره دیگر طبقات اجتماعی که در قدرت سیاسی شرکت ندارند، کسب می‌نمایند. لفظ "اشرافیت کارگری" را لنین به این عده اطلاق می‌کند که زمینه مادی پیدایش اپورتونیسم و ریزیونسم در جنبش کارگری هستند.

در جائیکه دیکتاتوری پرولتاریا اعمال می‌شود نیز باید پرولتاریا در هر مرحله مشخص مبارزه برای سرکوب دشمن طبقاتی و گام برداشتن به پیش، نیروهایی را که با آنها دارای منافع مشترک است متشکل کرده به خود ملحق نماید. پرولتاریا برای پیروزی بر دشمن به متحد نیاز دارد و این متحد را ... ادامه در صفحه ۳

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران به‌پیوندید



۱۰۰ سالگی انقلاب کبیر اکتبر این ناقوس مرگ دنیای سرمایه‌داری و تولد دنیای نوین را جشن بگیریم

**جنگ گاز بر سر تسلط...**

در منطقه در می‌آورد بلکه موجبات تامین سوخت آنها نیز می‌شود. البته تامین انرژی فسیلی از روسیه وابستگی اروپا را به روسیه افزایش می‌دهد ولی این وابستگی می‌تواند توسط گاز ایران و قطر و عبور آنها از مناطقی که تحت نفوذ مستقیم روسیه نیست تا حدودی از وابستگی اروپا به گاز روسیه بکاهد. همین سیاست را اروپا با خرید گاز از آذربایجان و آسیای میانه که از ترکیه عبور می‌کند تا حدودی تامین کرده است. ولی امپریالیسم آمریکا با این وضعیت موافق نیست. سیاست راهبردی این امپریالیسم کنترل مواد سوختی در جهان اعم از فسیلی و یا هسته‌ای است. استقلال نسبی اروپا در عرصه تامین مواد سوختی، شکستن بند تحریمهای غیر قانونی و قلدنرمنشانه آمریکا نسبت به روسیه را نیز در ضمن به دنبال دارد. این وضعیت برای آمریکا خوش‌آیند نیست. آمریکا بعد از از دست دادن ایران سرمایه‌های سیاسی سنگین خویش را در عربستان سعودی و قطر و امارات متحده عربی متمرکز کرده است تا با کنترل خلیج فارس، دریای احمر و باب-المنذب، سرنخ سوخت جهان را که به چین و ژاپن و اروپا می‌رود در دست داشته باشد. ولی این حساب با شکست در جنگ سوریه و امکان ساختن لوله انتقال گاز از طریق ایران، عراق، سوریه و لبنان به دریای مدیترانه بهم خورده است. قطر این وضعیت را می‌بیند و امکان بیرون آمدن از زیر فشار عربستان سعودی را حس می‌کند. برای قطر نیز با صرفه‌تر است که به این طرح بپیوندد. آمریکا نیز تلاش می‌کند با علم کردن طرح "استقلال" کردهای عراق و حمایت از "حق تعیین سرنوشت" کردهای سوریه به دست آمریکا و همکاری با آنها، به ایجاد اسرائیل دوم در منطقه، به تقویت داعش و اعزام تروریست به منطقه بپردازد و از ساختمان لوله‌های انتقال گاز جلوگیری. آمریکا با پیش‌روی و گردن کلفتی پا را از این هم فراتر نهاده است و مستقیماً به اروپا برای ساختن لوله‌های انتقال گاز از روسیه فشار می‌آورد تا جلوی ساختمان آنرا بلطایف‌الحیل بگیرد. مصوبات اخیر کنگره آمریکا که آنرا به صورت قانون معتبر برای همه جهان درآورده است، کنسرنها و شرکت‌های اروپائی را تهدید می‌کند که چنانچه آنها در نقض محاصره و تحریمهای آمریکا نسبت به روسیه عملی انجام دهند، آنها را سخت مورد مجازات قرار دهد. این اقدام آمریکا نه تنها ناقض حقوق ملل است که تا کنون نقض آن در یوگسلاوی، عراق، لیبی، سوریه، اوکراین و.. مورد تأیید و استفاده خود امپریالیست‌های اروپائی نیز بوده است، حالا به ضد خود بدل شده و گریبان اروپا را گرفته است. لشکر کشی آمریکا شروع شده است. در داخل آمریکا قانون

حمایت از محیط زیست را به دور انداخته‌اند تا بتوانند بهتر از طریق حفاری عمیق در لایه‌های سنگی زیر زمینی (fracking) به استخراج گاز بپردازند. کنسرنهای آمریکائی می‌خواهند این گاز را در آمریکا به گاز مایع بدل کنند و آنرا در اروپا به فروش برسانند. برای این کار به پایانه‌های منفرد گاز طبیعی که زیرساخت لازم را برای صادرات گاز فراهم می‌کند و همراه با شبکه‌های به هم پیوسته و عظیمی از خطوط لوله و ایستگاههای پمپاژ هستند نیاز دارند که ساختمان آنها زمان می‌برد. آمریکا این زمان را در رقابت با روسیه ندارد و لذا باید در کار انتقال لوله گاز روسیه اخلال کند. وزیر امور خارجه آلمان آقای "زیگمار گابریل" (Sigmar Gabriel) که شاهد دسیسه‌های آمریکاست اظهار داشت: "تامین انرژی سوخت اروپا یک مسئله مربوط به اروپاست و نه ایالات متحده آمریکا". به نظر گابریل ساختن لوله انتقال گاز "نورد استریم ۲" (Nordstream 2) از روسیه به آلمان به علت منافع راهبردی آمریکا با مخالفت آنها روبرو شده است. این پروژه نه از نظر اقتصادی و نه از نظر سیاسی و نظامی به نفع آمریکا نیست. به همین جهت وی ۲۰۱۷/۰۶/۱۶ در روزنامه زود دوپچه سایتونگ اظهار داشت آمریکا: "مخالف ساختن لوله انتقال نورد استریم ۲ است تا گاز روسیه را از بازارهای اروپا بیرون کنند و شرایط واردات گاز مایع را برای آمریکا به اروپا مناسب گردانند". "گابریل" (Sigmar Gabriel) و آقای "کرن" (Kern) رئیس جمهور اتریش مشترکاً اظهار داشتند: "که آمریکا منافع ملی اقتصادی خویش را به صورت غیرمجاز با سیاست خارجی خویش پیوند می‌زند". در این پروژه شرکت گاز پرورم روسیه توافق نامه مشارکت با شرکت‌های "ب.آ.اس.اف" (BASF) و "ای اون" (E.ON) از آلمان، "انژی" (ENGIE) فرانسه، "او ام وی" (OMV) از اتریش و "شل" (Shell) انگلیسی - هلندی برای ساخت خط لوله گازی نورد استریم - ۲ را امضا کرده است. ولی آمریکا با فشار و تهدید می‌خواهد جلوی انجام این امر را بگیرد. کشورهای بالتیک، لهستان و اوکراین به عنوان ابزار اعمال فشار آمریکا بر اتحادیه اروپا به حساب می‌آیند و می‌خواهند مانع انجام این معامله شوند. آمریکا نه تنها این شرکتها را تهدید کرده است، بلکه حتی تا جایی پیش رفته که با اعمال نفوذ در روند ادغام شرکت آمریکائی "پراکسایر" (Praxair) با شرکت آلمانی تولید کننده لوله‌های انتقال گاز به نام "لیند" (Linde) تفوق و تسلط خویش را در بازار رقابت تامین کند. روزنامه آلمانی زود دوپچه سایتونگ در ۲ ژوئن ۲۰۱۷ خیر داد که شرکت گاز

"لیند" (Linde) با رقیب آمریکائیش بنام "پراکسایر" (Praxair) ادغام شده‌اند. بر اساس آمار ارزش این شرکت در بازار بورس ۶۷ میلیارد یورو بوده و مرکزش در ایالت کنتاکی آمریکاست. این دو شرکت بعد از ادغام به یکی از بزرگترین شرکت‌های جهان در عرصه ارائه صنایع گازی بدل می‌گردند. آمریکا در کنار بسیج پاره‌ای ممالک اروپائی برای برهم زدن توافق اروپا با روسیه، در کنار تهدید شرکت‌های اروپائی، در کنار قبضه کردن امکانات فنی صنایع گازی در جهان جنبشی از "گرین پیس" (Greenpeace) و سازمان‌های غیر دولتی هوادار محیط زیست راه انداخته که باید با بسیج مردم و تبلیغات عوام‌فریبانه مانع شوند که در روسیه و آلمان در اثر حفر گودال برای قراردادن لوله‌های انتقال گاز در آنها به محیط زیست "صدمه" بخورد. در اروپا بیکباره آمریکا هوادار حفظ محیط زیست شده است و دلش برای تخریب محیط زیست در روسیه و آلمان می‌سوزد. رقابتی که بر سر فروش گاز طبیعی و ارزاقیت از طریق اتصال خط لوله‌های انتقال گاز به اروپا با استفاد از گاز گرانتقیمت مایع در گرفته است که در صورت پیروزی آمریکا کنترل اروپا را در دست آمریکا قرار خواهد داد، تأثیراتش را در منطقه در نزدیکی ایران و قطر و نزاع عربستان سعودی و قطر نیز نشان داده است. مبارزه بر سر تصاحب بازار مصرف گاز تازه آغاز شده است و ایران نقش مهمی در این بازی سیاسی راهبردی ایفاء می‌کند. در مبارزه با رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی نباید به بلندگوی عربستان سعودی، اسرائیل، آمریکا در جهان بدل شد و مانند سازمان جاسوسی مجاهدین خلق به مردم ایران خیانت کرد.

\*\*\*\*\*

**نفی دیکتاتوری پرولتاریا...**

در هر مرحله از انقلاب به توجه به حل وظایفی که در مقابلش قرار دارد پیدا کرده و بسیج می‌کند. تجربه کمونیست‌های بلشویک شوروی برای ما بسیار آموزنده است. پرولتاریا در مبارزه اجتماعی برای نیل به اهداف خویش به این امر توجه می‌کند که با کدام طبقه و قشر اجتماعی و در کدام مرحله و شرایط مبارزه سیاسی به "اراده واحد" نایل شود. این "اراده واحد" گویای کسب اکثریت در هر مرحله مشخص با سرکردگی و مدیریت پرولتاریاست. این ترکیب اکثریت نیست که ماهیت سیاست را تعیین می‌کند، بلکه ماهیت سیاستی که رهبری این اکثریت را به دست آورده است، بیانگر ماهیت این جمع طبقه‌ای است. در زمینه جلب نیروی اکثریت برای... ادامه در صفحه ۴

**سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران**

جمله در "مسایل لنینیسم" این ایده مارکس در مورد دیکتاتوری پرولتاریا را که توسط لنین به صورت مشخص در عمل انقلابی تحقق یافته است با تجارب و اسناد تاریخی به شرح زیر بیان می‌کند:

"در این مواد برنامه‌ی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی درباره‌ی دستجات اجتماعی روستا و راجع به رفتار حزب نسبت به آنان چه گفته شده است؟ گوش کنید:

"حزب کمونیست روسیه در تمام فعالیت خویش در روستا مانند سابق به قشرهای پرولتری و نیم پرولتری روستا تکیه کرده، حوزه‌های حزبی در ده، سازمان‌های دهقانان تهیدست، نوع مخصوصی از اتحادیه‌های پرولتری و نیمه پرولتری روستا و غیره تشکیل داده، آنها را با تمام وسائل ممکنه با پرولترهای شهری نزدیک کرده، از زیر نفوذ بورژوازی روستا و منافع خرده مالکانه رها نیده و بدین ترتیب قبل از هر چیز آنها را به شکل نیروی مستقلی متشکل می‌سازد.

سیاست حزب کمونیست روسیه نسبت به کولاک‌ها و بورژوازی روستا عبارت از مبارزه‌ی قطعی علیه تمایلات استعمار طلبانه‌ی آنها و فرو نشانیدن مقاومت آنها در مقابل سیاست شوروی می‌باشد.

سیاست حزب کمونیست روسیه نسبت به دهقانان میانه حال عبارت است از جلب تدریجی و منظم آنان به کار ساختمان سوسیالیستی. حزب این وظیفه را در مقابل خود قرار می‌دهد که آنها را از کولاک‌ها جدا سازد، نسبت به احتیاجاتشان توجه دقیق مبذول دارد، علیه عقب ماندگی‌شان، بدون این که ابدأ فشاری وارد آورد، به وسیله‌ی تأثیر ایدئولوژیک مبارزه نماید و از این راه آنها را به طرف طبقه‌ی کارگر جلب کند و در مواردی که با منافع حیاتی دهقانان میانه حال تماس دارد، در سازش‌های عملی با آنان سعی بوده، در تعیین طرز اجرای تغییرات سوسیالیستی نسبت به آنان گذشت‌هایی بنماید." (تکیه از استالین است)، (کنگره‌ی هشتم حزب کمونیست (بلشویک) روسیه - گزارش تند نویسی ص. ۳۹۶)

آزمایش کنید، ببینید می‌توانید بین این مواد برنامه و شعار لنین کوچک‌ترین تفاوتی ولو لفظی هم باشد، بیابید! شما چنین فرقی را نخواهید یافت زیرا چنین فرقی در طبیعت هم وجود ندارد. علاوه بر آن، هیچ جای شبهه‌ای نمی‌تواند باشد، که شعار لنین نه تنها مخالف تصمیمات کنگره‌ی هشتم مربوط به دهقان میانه حال نیست بلکه برعکس مناسب‌ترین طرز افاده‌ی صریح این تصمیمات می‌باشد. و اما این خود واقعیتی است که برنامه‌ی حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد... ادامه در صفحه ۵

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



هر مرحله مشخص و برای حل وظایف مشخص همان مرحله گویای اکثریت جامعه است که تحت رهبری پرولتری قرار گرفته در مسیر هموار کردن راه استقرار سوسیالیسم گام می‌گذارد.

رفیق استالین در اثر تاریخی خویش که جمع‌بندی از انقلاب اکتبر و پیروزی لنینیسم است این رویدادها و مضمون تاریخی آنها را چنین تنظیم می‌کند:

"...مسئله‌ی توده‌های زحمتکش خرده بورژوازی شهر و ده و مسئله‌ی جلب این توده‌ها به طرف پرولتاریا عمده ترین مسئله‌ی انقلاب پرولتاریائی است. استحکام دیکتاتوری پرولتاریا و مقدرات انقلاب وابسته به آن است که این جماعت زحمتکش شهر و ده در مبارزه برای بدست آوردن قدرت از کدام طرف پشتیبانی کند، از بورژوازی یا از پرولتاریا و ذخیره‌ی کدام یک از این دو باشد، ذخیره‌ی بورژوازی یا ذخیره‌ی پرولتاریا. شکست انقلاب سال ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱ فرانسه بیشتر برای آن بود که ذخیره‌های دهقانی به طرفداری از بورژوازی برخاستند. انقلاب اکتبر پیروز گردید چون توانست ذخیره‌های دهقانی بورژوازی را از کف وی خارج کند، چون توانست این ذخائر را به سوی پرولتاریا جلب نماید و پرولتاریا در این انقلاب یگانه نیروی رهبری توده‌های میلیونی مردم زحمتکش شهر و ده گردید.

کسی که به این مسئله پی نبرد، آن کس هیچگاه نه چگونگی انقلاب اکتبر، نه طبیعت دیکتاتوری پرولتاریا و نه بالاخره وضعیت اختصاصی سیاست داخلی حکومت پرولتاریائی ما را خواهد فهمید.

دیکتاتوری پرولتاریا صرفاً عبارت از قرار گرفتن در رأس حکومت نیست که با دست دلسوزانه‌ی یک "استراتژ آزموده"، "ماهرانه" "دست چین" شده و به فلان یا بهمان قشر اهالی "عاقلانه تکیه کرده باشند". دیکتاتوری پرولتاریا اتحاد طبقاتی پرولتاریا و توده‌های زحمتکش دهقانان است که برای سرنگون ساختن سرمایه و برای پیروزی نهائی سوسیالیسم، منتها با این شرط که نیروی رهبری کننده‌ی این اتحاد پرولتاریا است، برقرار می‌گردد. (استالین- انقلاب اکتبر و تاکتیک کمونیست‌های روس چاپ مسکو به فارسی ص ۱۴۰ - تکیه همه جا از توفان).

در دو جلد آثار منتخب رفیق استالین، از

نفی دیکتاتوری پرولتاریا...

انقلاب لنین چنین بیان می‌کند:

"پرولتاریا باید انقلاب دموکراتیک را به آخر برساند بدینطریق که توده دهقانان را به خود ملحق نماید تا بتواند نیروی مقاومت حکومت مطلقه را جبرا منکوب و ناپیگیری بورژوازی را فلج سازد. پرولتاریا باید انقلاب سوسیالیستی را به انجام

برساند بدینطریق که توده عناصر نیمه پرولتاریای اهالی را به خود ملحق کند تا بتواند نیروی مقاومت بورژوازی را جبرا در هم شکند و ناپیگیری دهقانان و خرده بورژوازی را فلج سازد." (لنین همانجا در اثر دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک صفحه ۱۲۲ - تکیه از لنین).

لنین در جای دیگر می‌نویسد: "خیر، نیروئی که قادر است به "پیروزی قطعی بر تزارسیم" نائل گردد فقط ممکن است مردم یعنی پرولتاریا و دهقانان باشند، در صورتی که نیروهای اساسی و بزرگ در نظر گرفته شود و خرده بورژوازی ده و شهر (که ایضا از "مردم" هستند) بین این و آن تقسیم گردد. "پیروزی قطعی انقلاب، بر تزارسیم" عبارتست از استقرار دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک کارگران و دهقانان." (همانجا صفحات ۵۸ تا ۵۹).

به وی ایراد می‌گرفتند که دهقانان و کارگران دارای منافع مشترک طبقاتی نیستند و لذا در جلب این نیروی اکثریت برای تحقق آمال پرولتری، نمی‌توان از دیکتاتوری واحد آنها صحبت کرد و لنین پاسخ می‌داد: "یکی از اعتراضاتی که برضد شعار "دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک پرولتاریا و دهقانان" می‌شود این است که این دیکتاتوری لازمه‌اش "اراده واحد" است ("ایسکرا" شماره ۹۵) در حالیکه پرولتاریا نمی‌تواند با خرده- بورژوازی اراده واحد داشته باشد. این اعتراض بی‌پایه است زیرا بنای آن بر تفسیر مجرد و "متافیزیکی" مفهوم "اراده واحد" گذارده شده است. اراده ممکن است در موردی واحد باشد و در مورد دیگر نباشد. فقدان وحدت در مسایل سوسیالیسم و در مبارزه برای سوسیالیسم مانع وحدت اراده در مسایل دموکراتیسم و مبارزه در راه جمهوری نمی‌گردد. فراموش کردن این موضوع به معنای فراموش کردن فرق منطقی و تاریخی میان انقلاب دموکراتیک و سوسیالیستی است." (همانجا صفحه ۱۰۰).

لنینیسم مفهوم دیکتاتوری پرولتاریا را که دیکتاتوری اکثریت جامعه بر ضد اقلیت استعمارگر و ارتجاعی است با برجستگی نشان داد. گرچه این اراده واحد می‌تواند از ترکیبهای طبقاتی گوناگون باشد، ولی در

امپریالیسم آمریکا تروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

**نفی دیکتاتوری پرولتاریا..**

شوروی در ماه مارس ۱۹۱۹ در کنگره‌ی هشتم حزب که به خصوص مسئله‌ی دهقان میانه‌حال در آن، مورد مذاکره بود، تصویب شد، حال آن که مقاله‌ی لنین علیه پیتیریم سارووکین، مقاله‌ای که شعار سازش با دهقان میانه‌حال را اعلام داشت، در ماه نوامبر سال ۱۹۱۸ یعنی چهار ماه قبل از کنگره‌ی هشتم حزب در مطبوعات درج گردید.

مگر واضح نیست که کنگره‌ی هشتم حزب، شعار لنین را که در مقاله‌ی وی علیه پیتیریم سارووکین اعلام گشت، به منزله‌ی شعاری که حزب در فعالیت خود در روستا طی تمام دوره‌ی کنونی ساختمان سوسیالیستی موظف است آن را سرمشق خویش قرار دهد، تمام و کمال تأیید نمود؟

نمک شعار لنین در چیست؟

نمک شعار لنین در اینست که این شعار به طور درخشانی وظیفه‌ی سه‌گانه‌ی واحد مربوط به فعالیت حزبی را در روستا درک می‌کند، وظیفه‌ای که در یک فرمول فشرده افاده شده است: الف) به دهقان تهیدست تکیه کن؛ ب) ترتیب سازش با دهقان میانه‌حال را فراهم آور؛

ج) دقیقه‌ای هم مبارزه را علیه کولاک قطع نکن. اکنون آزمایش کنید و یکی از حصه‌های این فرمول را به منزله‌ی اساس و مبداء فعالیت امروزی در روستا بردارید و سایر حصه‌های آن را فراموش کنید - در این صورت شما حتماً در بن بست خواهید افتاد. آیا در شرایط مرحله‌ی کنونی ساختمان سوسیالیستی بدون تکیه کردن به دهقانان تهیدست و بدون مبارزه علیه کولاک سازش حقیقی و استوار با دهقان میانه‌حال ممکن است؟ ممکن نیست. آیا در شرایط ترقیات امروزی بدون تکیه کردن به دهقانان تهیدست و بدون سازش با دهقانان میانه‌حال مبارزه‌ی موفقیت آمیز علیه کولاک ممکن است؟ خیر؛ غیرممکن است. چگونه می‌توان این وظیفه‌ی سه‌گانه‌ی واحد کار حزبی را در روستا با مناسب‌ترین وجهی در یک شعار عمومی بیان نمود؟ گمان می‌کنم شعار لنین با مناسب‌ترین وجهی این وظیفه را بیان کرده است. باید اذعان کرد که مناسب‌تر از آن چه لنین گفته است، نمی‌توان گفت... "مقاله استالین: "لنین و مسئله اتحاد با دهقانان میانه‌حال"- در کتاب مسایل لنینیسم چاپ مسکو به فارسی صفحات ۳۲۲ تا ۳۲۴).

استالین به بهترین وجهی نظریات لنین و درک کمونیستی از دیکتاتوری پرولتاریا را تدوین کرده است. مخالفت با دیکتاتوری پرولتاریا به مفهوم مخالفت با دیکتاتوری اکثریت جامعه، مخالفت با حزب طبقه کارگر و دولت طبقه کارگر و ساختمان سوسیالیسم است. حزب رویونیستی توده



هستند. آنها بخشی از این سموم را با صحنه سازی از طریق شرکت‌های خصوصی غیر قابل کنترل که گواهینامه‌های توجیهی برای این دول مسئول صادر می‌کنند، به دریا می‌ریزند. صدمه‌ای که به جنگلها، آبهای زیر زمینی، افزایش گازهای سمی در فضا که به افزایش بیماریهای ریوی و پوستی منجر می‌شود، به منابع تغذیه دریائی وارد می‌شود زنگ خطر را به صدا درآورده است. در مقابل این سیاست نابودی محیط زیست به مصداق بعد از مرگ من چه دریا چه سراب، مردم این ممالک و ممالک تحت سلطه و وابسته به مقاومت برخاستند و دولت‌ها را وادار کردند با تنظیم قوانینی در حفظ محیط زیست بکوشند.

بورژوازی امپریالیستی از این اعتراض عمومی برحق، ابزاری ساخت تا نخست به صنایع و فن آوری مدرنی دست یابد که آنرا در درجه نخست برای کسب رهبری در عرصه فن آوری بکار گیرد و با تبلیغات فراوان سیاست عامه پسند حفظ محیط زیست را جا بیاندازد. امپریالیست آلمان در این عرصه پیشتاز بود و رهبری فن آوری مدرن در این زمینه را به کف آورد و با زور تبلیغات و در کادر تضادهای

امپریالیستی می‌خواهد آنرا به سایر امپریالیستها نیز تحمیل کند. زیرا در نتیجه توجه به محیط زیست، بهای کالاها افزایش یافته و از قدرت رقابت امپریالیست آلمان می‌کاهد. امپریالیستهای اروپائی با فشار آلمان و فشار افکار عمومی در داخل کشورشان و محدودیتهای جغرافیائی که داشتند مجبور شدند به این سیاست تن در دهند و در پی حفظ محیط زیست که بی توجهی به آن عواقب وخیمی در آینده دارد تلاش کنند. سخن از انرژی جایگزین به میان آمد که باید آنرا تکمیل کرد تا در فردای جهان بدون نفت و گاز بتوان از این انرژی برای بقاء بشریت استفاده نمود. این انرژی جایگزین بر اساس سطح دانش کنونی بشری در بهترین حالت تنها ۲۰ درصد نیاز انرژی این ممالک را تامین می‌کند. برای تقویت این سیاست که در حقیقت تقویت بخش معینی از بورژوازی صنعتی در این عرصه است، آلمانها به کسانی که به صرفه جویی انرژی با توسل به انرژی جایگزین دست می‌زنند مزایای مالیاتی و در حقیقت نوعی یارانه دولتی از مجموعه ثروت ملی در نظر گرفتند.

تبلیغات امپریالیستی آلمان که می‌شود روزی انرژی بادی و خورشیدی و... را جایگزین انرژی فسیلی و هسته‌ای با همین سطح تولید و مصرف کنونی کرد، با انگیزه اقتصادی فروش کالاهای صنایع محیط زیستی آلمان صورت می‌پذیرد. انرژی جایگزین در واقع اکنون انرژی مکمل است و تنها می‌تواند... ادامه در صفحه ۶

ایران دیکتاتوری پرولتاریا را از برنامه خویش حذف کرده و مانند سوسیال دموکراتها به دنبال دولت همگانی تمام خلق است و دیکتاتوری بورژوازی را پذیرفته است. تجلیل از صد سالگی و آموزش از انقلاب اکتبر از جمله تجلیل از اصل دیکتاتوری پرولتاریاست.

\*\*\*\*\*

**محیط زیست و انرژی...**

سازی ثروتهای عمومی مردم در کشورهایی که شامل نظم زدائی و قانون زدائی می‌شوند، با ایجاد راه فرار برای سرمایه‌های خارجی تا مقررات زیست محیطی درون کشور خویش را دور بزنند، بُعد جدیدی را به این چالشها افزوده است. ممالک امپریالیستی اروپا و آمریکا با تبلیغ فرهنگ مصرفی و افزایش تولید بی‌رویه برای کسب سود حداکثر مسئولیت واقعی آلودگی محیط زیست را بعهده دارند. آنها در قرون گذشته خوردند و بردند و به اقتصاد خویش به بهای نابودی محیط زیست که متعلق به تمامی بشریت است سر و صورت دادند و تجارب فراوان کسب نموده و به فن آوری پیشرفته دست یافتند. در اثر این ریخت پاش سرمایه داری زمینی سوخته بجای مانده است که در تکامل خود امکان زیست بشر را به خطر می‌اندازد. سرمایه داری امپریالیستی در ممالک خود قادر نیستند به زدودن سمومی که خود تولید کرده اند بپردازند. خاک آنها به علت کوچکی می‌تواند به انبار سموم و آب بارانهای اسیدی، رودخانه‌ها و دریاهاى آلوده، مزارع مملو از کودهای خطرناک شیمیائی بدل شود. آنها این سموم را به صور قانونی و غیر قانونی به ممالک تحت سلطه صادر می‌کنند. انبار تقاله‌های آنها در آلبانی، کوزوو و بسیاری ممالک آفریقائی... نمونه‌های بارز آن

**تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق، افغانستان، لیبی، سوریه و یمن را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است**

محیط زیست و انرژی...

در کنار انرژی هسته ای و فسیلی بقاء باید و به طول عمر منابع انرژی بیفزاید. تولید ابزار و وسایل و فن آوری انرژی جایگزین خود به انرژی متمرکز و مستمر نیاز دارد. بدون انرژی مستمر و متراکم نه می توان معادن مس را استخراج کرد، نه کابل مس تولید کرد و نه موتور و ژنراتور برق بوجود آورد.

استفاده از انرژی هسته ای مانع از آن است که گاز کربنیک که خطرناک برای آلودگی هوای تنفسی مردم و محیط زیست است، تولید شود. امروز دانش بشری بر این واقعیت صحت می گذارد که انرژی هسته ای تمیزتر از انرژی فسیلی در جهان بوده و کمترین خطر را به طور نسبی متوجه محیط زیست می کند. طبیعی است که نیروگاههای هسته ای باید همواره تحت نظارت بوده و مهار شوند، ولی این اقدام، یک امر فنی و علمی بوده که بشریت باید با پیشرفت علوم از خطرات آن بکاهد و نه آنکه آنرا از ترس ایجاد خطر به دست فراموشی بسپارد و تعطیل کند. این سرعت پیشرفت و تکامل فنی تولیدی و علمی در دنیای امروز و در قرن گذشته، مدیون استفاده از انرژی هسته ای بوده است و به همین جهت نیز ممالک امپریالیستی و سرمایه داری بدون استثناء با به تکامل این نیروگاهها مشغولند و یا تعداد بیشتری از آنها می سازند و یا از آنها نگهداری می نمایند. این ممالک در پی مالکیت انحصاری انرژی هسته ای در جهان هستند. مشکل نگهداری تفاله های اتمی نیز بیشتر شامل کشورهای واقع در مرکز اروپا می شود که تراکم جمعیت در آنها بیشتر است. ممالک پهناور و بزرگ جهان با مشکل کمتری در این زمینه روبرو بوده و می توانند با تکامل دانش بشری نه تنها به انبار کردن مناسبتر این تفاله ها بپردازند، بلکه از این تفاله نیز در آینده با پیشرفت فناوری و دستیابی بشریت به دانش پیشرفته تر، استفاده علمی لازم را بنمایند.

امپریالیست آمریکا که سر زمین وسیعی را در اختیار دارد به بهانه اینکه هنوز پژوهشهای علمی نتوانسته ثابت کند که افزایش گرمای کره زمین ناشی از گازهای گلخانه ایست، حاضر نیست به فشار اروپائی ها تن در دهد و این امر مانند استخوان لای زخم در تمام همایشهای محیط زیست در جهان خودنمایی می کند. گرچه اخیرا دولت اوباما تا حدودی به این فشارها تن در داده است، ولی هنوز تحول مهمی در عرصه سیاست محیط زیست در آمریکا نمی بینید. آنها تلاش دارند با انعقاد قراردادهای بین المللی بار آلوده تولید خویش را به سایر ممالک منتقل کنند. از این گذشته نباید فراموش کرد که امپریالیستها محیط زیست را برای سایر ممالک جهان

نیز آلوده می سازند و بجای آنکه به آنها حداقل خسارتی بپردازند از آنها طلب می کنند که از آلودگی محیط زیست جلوگیری کنند. این شعار امپریالیستی سیاست ممانعت از توسعه سایر کشورهاست. در حقیقت امپریالیستها می کوشند ابزار دفاع از محیط زیست را در پشت چهره انسانی وسیله ای کنند تا از تحول و تکامل صنایع در این کشورها جلوگیری کنند. این کشورهای زیر سلطه و به اصطلاح غیر متعهد باید تنها انبار سموم ممالک امپریالیستی بوده و کالاهای خویش را از آن کشورها وارد کنند. دولت چین و روسیه به زیر بار این فشار اروپائی ها نرفته اند. چینیه و هندی ها می گویند که مسئولیت بیش از یک قرن آلودگی محیط زیست به عهده ممالک پیشرفته است و حال که ما در پی تکامل و گسترش صنایع خود هستیم ما را به آلودن محیط زیست متهم می کنند. طبیعتا اگر ممالک امپریالیستی کوچکترین صداقتی در حفظ محیط زیست و جان انسانها داشتند، باید حاضر می شدند که فناوری و تجارت اکتسابی خویش را به بهای عادلانه در اختیار سایر ملل نیز قرار دهند تا آنها مجبور نشوند راه این ممالک را با آلوده کردن محیط زیست از نو ادامه دهند و محیط زیست را بیشتر بیالایند.

سیاست حفظ محیط زیست برای ممالک پیشرفته که به بهای نابود کردن محیط زیست، به گرده دیگران بار خود را به مقصد رسانده اند، این است که با علم کردن این سیاست از تکامل و تحول صنعتی سایر ممالک جلوگیری کنند. هدف آنها در واقع کسب سود حداکثر به **بهای عقب نگه داشتن سایر ممالک** است و گرنه چگونه می توان توضیح داد که به پاس قواعد و مقررات سازمان تجارت جهانی، سرمایه های امپریالیستی به ممالکی هجوم می برند که از جمله قوانین برسमित شناخته شده محیط زیست در آنها کاربندی نداشته و تولید کالای آنها ارزانتر تمام می شود. به سخن دیگر محیط زیست را می شود بجز در ممالک متروپل در سایر احاد جغرافیائی-سیاسی به زیر پا گذاشت. آیا این بهترین نمونه برای بی اعتقادی به مضمون واقعی محیط زیست که باید به رهائی انسانها و سلامتی آنها خدمت کند نیست؟

در ممالک متروپل با اجرای این سیاست؛ عرصه های جدیدی در تولید وسایل و ابزار و محصولاتی که تولید آنها برای حفظ محیط زیست لازم است، بوجود آمده اند. این ممالک این محصولات را به بهای گزاف صادر کرده و یا در بازار داخلی به فروش می رسانند و این در حالی است که هماهنگ با آن، محصولات ارزان قیمتی از آن ممالکی وارد می کنند که برای تولید آنها هیچیک از موازین محیط زیستی رعایت نشده است.

از این گذشته امپریالیستها ابزار جدید حقوقی برای به زیر سلطه کشیدن ممالک ضعیفتر اختراع کرده اند و آن حق آلودگی محیط یا نظام مبادله سهمیه انتشار آلودگی می باشد. به موجب این حق هر کشوری مالک سهمیه معینی برای انتشار آلودگی هوا می گردد و چنانچه از این سهمیه تخطی کرد باید جریمه بپردازد. وقتی پای حق به میان آمد بی حقوقی نیز عرض اندام می کند. این حق را از آن جهت اختراع کرده اند تا بتوانند فوراً آنرا زیر پا بگذارند. ممالک امپریالیستی با فن آوری مدرن که تا کنون بر اساس تخریب محیط زیست بدست آورده اند، علی الاصول قادر اند از تاثیر مخرب بسیاری مواد آلاینده جلوگیری کنند و در نتیجه به افزایش تولید پرداخته بدون اینکه از حد تعیین شده حق انتشار آلودگی محیط زیست تجاوز کرده باشند. این امر برای ممالک توسعه نیافته و یا عقب مانده تر ممکن نیست، لذا از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نمی باشد که به دیکته امپریالیستها تن در دهند و گرنه باید همواره در پس کاروان تمدن دوان دوان بدون و هرگز قادر نخواهند بود این عقب ماندگی را جبران کنند. ایجاد حق انتشار آلودگی و تعیین سهمیه برای آن، سازوکاری برای کنترل تولید سایر ممالک عقب مانده تر است. کنترل صنایع ممالک وابسته و در حال توسعه و قدرتهای نوظهور اقتصادی، بدست ممالک متروپل می افتد.

برسमित شناختن حد نصابی به عنوان حق انتشار آلودگی محیط زیست، در عمل به این معناست که هوا نیز به صورت کالا در می آید و فروشی می شود. دیگر نمی شود هوای مفت و مجانی تنفس کرد. روزی که انسانها بخاطر سیاستهای انسان براندازانه سرمایه داری مجبور شوند در خیابانها با ماسک حرکت کرده و در آینده با خود کپسولهای اکسیژن حمل کنند چندان دور نیست. سرمایه داری کاری را که بعد از خصوصی سازی با آب آشامیدنی مردم در جهان کرد با استفاده از حق خصوصی کردن هوا با هوای مفت و مجانی می کند. هر جا سخن از حق می رود میزانی پدید می آید تا ناحقی را بذهن متبادر سازد.

در این نظام، سهمیه سازی برای انتشار آلودگی چنین می شود که شرکت های آلاینده نیازمند به داشتن سهمیه آلودگی معادل با میزان انتشار آلودگی خود هستند و این سهمیه ها می تواند در بازار آلودگی مبادله شود. در همین چند سال گذشته بورس سهمیه بوجود آمده است، و شما می توانید سهمیه سایر ممالک را که قادر نیستند به علت نازل بودن سطح تولید و مصرفشان از مزایای این حق سهمیه انتشار آلودگی برخوردار شوند استفاده کرده آنها را در بازار بورس اکتیفا کنید. در حالی که کشور فروشنده هرگز... ادامه در صفحه ۷

از میراث انقلابی ۵۰ سال مبارزه ضد رویونیستی در ایران تجلیل کنیم

**محیط زیست و انرژی...**

قادر نخواهد بود در آینده به ساختمان صنایع زیربنایی دست زند، کشور خریدار امپریالیستی محق خواهد بود جهان را بیشتر آلوده کند. در کنار این روش غارتگرانه که نقض همه اهداف اعلام شده در مورد حفظ محیط زیست است شرکتهایی پیدا شده اند که سهمیه را خریداری کرده و برای دولتها گواهینامه صادر می کنند. کاشف به عمل آمده که بسیاری از این گواهینامه ها که بر اساس آن دولتها و کارخانجات از حق برسمیت شناخته شده خویش تجاوز کرده اند، تقلبی بوده است. صنایع اتومبیل سازی آلمان و فرانسه سالها با تقلب، آمار جعلی در مورد درجه آلودگی هوا توسط خودروهای خویش منتشر می کرده اند تا بتوانند در عرصه رقابت با سایر محصولات رقبا، برتری موقعیت اقتصادی جهانی خویش را در صنایع خودرو سازی حفظ کنند. نمونه دیگر نمونه برزیل است که شرکتهای خارجی و همدستان داخلی آنها چگونه بدون توجه به حفظ محیط زیست در پی کسب سود حداکثر بوده و زمینه هستی مردم را از میان می برند و به محیط زیست صدمات جبران ناپذیری می زنند.

شکستن سد "باطله" در برزیل که مایعات آلوده به مواد آهنی را در پشتش جمع آوری می کرد، خسارت هنگفتی به برزیل وارد آورده است که ۸۰۰ کیلومتر رودخانه منتهی به دریا را غیر قابل استفاده کرده و میلیونها تن ماهی و موجودات آبی را نابود نموده و کشاورزی و دامداری را در این منطقه از بین برده است. مسئولیت این فاجعه به گردن شرکت معدنی "سامارکو (Samaro)" که بر اساس یک موافقتنامه ی مشارکت انتفاعی "جوینت ونچر" بین شرکت خارجی "بی اچ پی بیلیتون استرالیا" و شرکت "واله" برزیل بوجود آمده، قرار دارد.

\*\*\*\*\*

**به وصیت تو... مهپاره...**

را به وی بازگو کند خیاطش می گریست و با هق هق می گفت اگر می دانستم به چه نیتی دوخت این لباس را به من واگذار کرده هرگز آنرا نمی دوختم.

در اول ماه مه توانست مانند همیشه پرچم حزب کار ایران (توفان) را در رژه کارگران در هلند حمل کند. ولی برای همه زندگان پیام فرستاد که وقتی بر مزارش حاضر می شوند از آوردن گل خودداری کنند. مخارج گل را در صندوقی بیفکنند که برای یاری به خانواده نیازمندان، زندانیان سیاسی و مبارزان کارگری، قربانیان آسیبهای اجتماعی به آن نیازی بیشتر است. پیام وی به زندگان بود تا از رفتگان الهام بگیرند و به آیندگان یاری رسانند و راه نجات بشریت را به آنها نشان دهند. در بنیاد یاری به نیازمندان که وی با این روحیه شالوده آنرا ریخت چندین هزار یورو جمع شد و کمکا هنوز ادامه دارند. مهپاره به هسته انسانی درونی زندگان تکیه کرد، آنها را مورد خطاب قرار داد و به فکر واداشت و آنها را تکان داد تا از خواب غفلت به در آیند و در این کارش موفق بود. یاری به این صندوق تنها یک مساعدت مالی نیست، بیان روح بزرگ انسانی و همدردی با دیگران است.

مهپاره آهنی، مه پاره ای از آهن بود، مه پاره ای از تبار گرد که با همسر آذربایجانش از وحدت ایران و حقوق خلقهای ایران حمایت می کرد. وی ضامن پیروزی را در وحدت طبقه کارگر و نه در تفرقه ملی آنها می دید. وی مرگ خود را با تدارکی آگاهانه برای بسیج عمومی مردم، برگزار کرد و ما می گوئیم که رفیق مهپاره تلاش تو سراپا موفقیت بود.

با الهام از آرزوی مهپاره، نخستین کمک مالی از طریق خانواده ای رسید که مصمم بود هدایای نقدی جشن تولد خویش را،

مستقیما به صندوق بنیاد غیر انتفاعی مهپاره بریزد، با این پیام که بیآموزیم و بیاموزانیم که از این بعد با برگزاری هر مراسمی نه اگر همه، بلکه حتی بخشی از آن هدایای مالی را در راهی که مهپاره به ما نشان داد، به نفع نیازمندان اجتماعی، تحت تعقیب بودگان سیاسی، قربانیان آسیبهای اجتماعی، مستقل از ایدئولوژی، اعتقادات دینی به عنوان ایرانی میهن دوست و علاقمند به مردمان وطنمان به مصرف برسانیم. این درس را رفقای ما باید در مکتب مهپاره بیاموزند و تبلیغ کنند. هر انسان آگاه و با وجدانی، هر انسانی که به جمع می اندیشد مسلما برای این پیشنهادات انسانی گوش شنوا دارد. ما از همه دعوت می کنیم به یاد مهپاره آخرین آرزوی وی را همیشه زنده نگهدارند.

ما سوگند یاد می کنیم که شالوده بنیادی را که برپا داشتی به نام خودت و با الهام از روحیه انسانی تو حراست کنیم و از بنیاد مهپاره که هنوز هم مردم به آن کمک مالی می کنند منبعی سازیم که دست نیازمندان را بگیرد و سرمشقی برای همه زندگان باشد تا از غیبت خود در آینده ستونی بسازند که بر تارک آن نوری بدرخشد که برای همه درخشان باشد. در این باره باز سخن خواهیم گفت.

\*\*\*\*\*

**به توفان در تلگرام خوش آمدید****مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۳۵ مهرماه ۱۳۹۶ را در تارنمای توفان مطالعه نمایند****توفان الکترونیکی در آغاز هر ماه میلادی منتشر می شود**[www.toufan.org](http://www.toufan.org)**نشریات حزب کار ایران (توفان)**[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

<http://toufan.org/ketabkane.htm>  
[http://toufan.org/nashrie\\_tofan%20archive.htm](http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm)

<https://twitter.com/toufanhezbkar>

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>  
<https://www.facebook.com/pli.toufan?fref=ts>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان  
 سایت آرشیو نشریات توفان

توفان در توئیتر

توفان در فیسبوک  
 توفان در فیسبوک به زبان انگلیسی

**مبارزه با فساد و رشوه خواری تنها به دست یک حکومت مردمی عملی است**

## گامی در راه تاسیس بنیاد غیرانتفاعی مهپاره برای یاری به نیازمندان به وصیت تو عمل می کنیم، رفیق مهپاره!



کمونیستها مخالف خودکشی هستند، زیرا خودکشی اقدامی نومیدانه و تسلیم در مقابل مشکلات است. حال آنکه کمونیسم بیان امید، زندگی بهتر، خدمت به بشریت و مبارزه برای روز قطعی جدال، روز نجات انسانهاست. برای نجات انسانها باید رزمید، از میدانهای نبرد سهمگین طبقاتی گذر کرد و با سربلندی از آن بیرون آمد. این راه بهیچوجه ساده نیست، از فراز و نشیب بسیار برخوردار است، به عقب نشینی و انتظار فرصت و پیشرفت نیاز دارد. به همین جهت نیز مبارزه است، مبارزه طبقاتی، یک نبرد با نیروی مقابل، با دشمن طبقاتی است که به مقاومت دست می زند و اخلاص می کند تا مزایا و امتیازات ضد بشری و ناعادلانه خویش را برای خود و همکیشانانش تا ابد حفظ کند، حتی به بهای نابودی محیط زیست، کره زمین، نوع بشر و انواع و اقسام زندگان. این چنین افرادی که نمایندگان سرمایه و غارت اند از ویروس خطرناکترند. این ویروس دشمن طبقاتی است که در خدمت منافع مالکیت خصوصی بر وسایل تولید عمل می کند و خون می ریزد و هستی بشریت را در خدمت منافع فردی به نابودی می کشد.

کمونیستها به هر نیروی مبارز و معتقد به رهائی انسان در این سنگر مبارزه نیاز دارند و لذا راه عقب نشینی، تسلیم، سرخوردگی وجود ندارد. کمونیستها بر ادامه مبارزه و تداوم آن اعتقاد دارند و پای می فشارند.

مرگ مهپاره ولی خودکشی نبود، یک انتخاب آگاهانه بود، وی راه مبارزه‌ی بعد از مرگی را برگزید که شتابان به سراغش آمده بود. وی می خواست زمان آنرا خودش تعیین کند و نه "نماینده پروردگار". برای بیماری مهلک وی درمانی وجود نداشت، پایان راه روشن بود، ولی انتخاب زمان مرگ را وی آگاهانه تعیین کرد، وی مدیریت و رهبری خاتمه زندگی را خود به کف گرفت و تمام جزئیات آنرا از قبل برنامه ریزی کرد. پرستاری که هر روز برای انجام وظایفش به نزد وی می آمد، روزی خطاب به عزیزان مهپاره ابراز داشت: شما که خودتان همه کارها را انجام می دهید، دیگر نیازی به من ندارید. من که می آیم نزد شما دیگر کاری برای انجام ندارم، چه کاری باید به کنم؟ مهپاره با خنده روئی به وی گفت: بیا بنشین پهلوی من و ناخن هام را لاک بزن. پرستار روزی از مهپاره با کنجکاوی توام با هراس پرسید: میتونم پرسشی از تو بکنم؟ مهپاره گفت: بکن! آیا تو از مرگ نمی ترسی؟ خیر! مرگ است که از من می ترسد و تا به امروز به سراغم نیامده است. من بر مرگ غلبه می کنم و نه مرگ بر من.

لباس گفن خود را قبلا انتخاب کرده بود. نه گفن سفید بلکه البسه سراپا سرخ، گل سرخ میخکی برسینه و بناگوش، لبی سرخ فام، لاکهای سرخ ناخن هایش می درخشیدند. این لباس را مدتها قبل به خیاط سفارش داده بود بدون آنکه نیت خویش... ادامه در صفحه ۷

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party  
of Labour of Iran

No. 211 Oct. 2017

مستخرجی از گزارش سیاسی حزب کار  
ایران (توفان) به کنگره پنجم حزب کار ایران.  
اوضاع جهان - بخش نخست

### محیط زیست و انرژی جایگزین

همه می دانند که تخریب و خسارت محیط زیست جهان بر اساس نظام مبتنی بر کسب سود حداکثر به هر قیمت، کماکان ادامه دارد. تداوم روند نابودی تنوع زیستی، تداوم کاهش ذخایر ماهیان و آبیان و بیابان زایی که بیش از پیش زمینهای حاصلخیز را از بین می برد، اثرات نامطلوب تغییرات آب و هوا در اثر افزایش دمای زمین کماکان مشهود است. بلایای طبیعی که به طور مکرر و مخرب تر اتفاق می افتند و بر تواتر آنها افزوده می شوند که بویژه کشورهای وابسته و در حال توسعه در برابر آنها بسیار آسیب پذیرند، و تداوم آلودگیهای دریایی، معدنی، آب و هوا که میلیونها زندگی پر امید و آراسته را مورد تهدید قرار میدهند همچنان ادامه دارند.

جهانی سازی سرمایه، انعقاد قراردادهای بین المللی تحت عنوان حمایت از "آزادی تجارت" و "نظم زدائی" که در قالب فعالیتهای "سازمان تجارت جهانی"، "مناطق آزاد تجاری" و خصوصی... ادامه در صفحه ۵

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)

تارنمای توفان در شبکه مجازی

[toufan@toufan.org](mailto:toufan@toufan.org)

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی  
Postbank Hamburg  
BLZ: 20110022  
KontoNr.: 2573372600  
Germany  
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

آدرس Toufan  
Postfach 103825  
60108 Frankfurt  
Germany

حکومت های دینی هرگز حقوق انسان ها را به رسمیت نمی شناسند